

چگونه میتوان آموزنده شایسته بود ؟

How to be a good Learner?

ترتیب و تدوین: داکتر نصرالدین شاه پیکار

۲۹ مارچ ۲۰۱۵

ترانتو- کانادا



- چرا تعریف آموزنده شایسته دشوار است؟
- تشویق دانش آموزان چه اهمیت دارد؟
- چه کسی مسئولیت آموزش را دارد؟
- ویژگی هایی را که باید کلاس های خوب آموزشی سهم سازند؟
- اهمیت فرآیند آموزشی سالمندان دارای کدامین فرآیند است؟
- سطوح ناهمگون آموزشی کدام ها اند؟
- چگونه باید سطوح ناهمگون دانش آموزان را تدریس کرد؟
- *Why is it difficult to describe a good learner?*
- *How important is the student's motivation?*
- *Who is responsible for learning?*
- *What characteristics do good classroom learners share?*
- *What's special about teaching adults?*
- *What are the different levels?*
- *How should we teach the different levels?*

قول معروف است : " شنونده خوب آموزنده خوب است "

در آمد سنخن : در جهان کنونی ای که در آن حیات بسر می بریم، شغل و پیشه آموزگاری، تنها شغلی است که وظیفه ایجاد جامعه در حال یاد گیری و آفرینش دانش و گسترش توانمندی های افراد برای نو آوری، انعطاف پذیری در نسل های جوان و متعهد کردن آنها به دگرگونی ها و توسعه را به عهده دارد. در عین حال سهم آموزش و پرورش نیز از بودجه ملی بسا کشور ها بنا به دلایل مختلف و نا آشکار در حال کاهش بوده و فیصدی بالا را نشان دهنده است. بنا بر این شغل آموزگاری به معمای بزرگی روبرو است، زیرا از یک سو از آنها انتظار میرود که عامل توسعه و گسترش آموزش در جامعه وسایل اطلاعات جمعی باشند و از سوی دیگر، فرصت های آموزشی و مادی به مراتب کمتری در اختیار آنها قرار می گیرد تا با اخلاق تر و انعطاف پذیر تر از پیش باشند. این مساله چالش بزرگی است که آموزگاران و برنامه ریزان تربیت معلم با آن مواجه اند. به عبارت دیگر از معلمان و مدارس انتظار می رود که کودکان را از فقر و جهل نجات دهند، کلیه افراد جامعه را با سواد پایا مجهز کنند تا شرایط برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع مهیا شود، مهارت لازم را در نیروی کار فراهم آورند، تحمل و تسامح را به کودکان بیاموزند و در عین حال، اکثر این معلمان ، حدود 70% در صد زیر خط فقر زندگی می کنند و بسیاری از آنها رو به شغل معلمی می آورند که شغل دیگری برای پرداختن به آن پیدا نمی کنند.

همین طور از معلمان انتظار می رود که اثرات منفی جامعه اطلاعاتی را از بین ببرند و یا آن را به حد اقل کاهش دهند، به حل تضاد ها کمک کنند ، جوانان را با فرهنگ " مجازی"، جامعه آشنا ساخته و در عین حال، مانع غرق شدن آنها در این فرهنگ شوند، خطر ناشی از تضاد و خشونت مرتبط با کثرت گرایی فرهنگی را تا حد ممکن کم کنند و مصرف گرایی ناشی از جهانی شدن را از اذهان جوانان بزدایند و خلاصه اینکه ابعاد اجتماعی، عاطفی، فنی و عقلانی دانش آموزان را به مناسب ترین شکل خود پرورش دهند. آموزش مستمر برای معلمان در جامعه جهانی نیز از اهمیت خاص برخوردار است. معلمان سهم بزرگی در تولید ، اشاعه و گسترش دانش بر عهده دارند و لی، در صورتی که از آخرین اطلاعات در زمینه تخصصی و حرفه ای خود برخوردار نباشند، هرگز نخواهند توانست جز اطلاعات بلا استفاده ، کهنه و از مد رفته چیز دیگری به دانش آموزان خود ارائه بدارند. معلمان باید به کاملترین وجه ممکن از نظر اخلاقی، روانشناسی و حرفه ای، آموزش ببینند تا آمادگی شرکت اثر گذار در تعلیم و پرورش را جهت تحقق اهداف تفاهم بین المللی و صلح داشته باشند. نگرش شخصی آموزگار از اهمیت به سزا برخوردار بوده و تا حدود بسیاری در اثر بخشی این نوع تعلیم و تربیت تأثیر گذار است. برنامه های تربیت معلم به این زمینه باید به منابع دانش مرتبط با این حوزه و همچنین آموزش حرفه ای در باره رویکرد و روشهای مطلوب تعلیم و آموزش به شمول آموزش

و پرورش دسترسی داشته باشند تا آموزش " هنر زیستن با یکدیگر"، جامعه عمل بپوشد. روش های متعارف در روابط معلم و متعلم که مبتنی بر سلسله مراتب و اقتدار است باید به نفع رویکرد های دموکراتیک، برابر، تعاملی و مشارکت جویانه تغییر یابد تا نگرش اجتماعی مناسبی در بین دانشجو و معلمان برانگیزد. برای پاسخ گویی به این نیاز اساسی باید شبکه های بسیار وسیعی از برنامه های مستمر در جامعه جهانی به وجود آید به گونه ای که وسعت و بودجه انرژی صرف شده برای آن، کمتر از بودجه تعلیم و پرورش رسمی نباشد. این همه داشته ها و مسایل یاد شده از یک کشور به کشور دیگری از هم خیلی متفاوت و ناهمگون هستند که میتواند در زمینه بحث های دیگری داشت.

برای آنکه آموزنده شایسته و خوب را به تعریف نشینیم، در حله نخست لازم است مؤلفه های ناهمگون فرآیند آموزشی را باید مورد ملاحظه قرار داد. اول باید پس منظر زندگی فردی، خانوادگی، محیطی، قشری، گروهی، اجتماعی، فرهنگی، و سوابق آموزشی آموزنده را من حیث مؤلفه روانی، مورد تکاپو و پژوهش قرار داد. مزید بر آن باید حضور فیزیکی، جسمانی و روانی اش را در محیط آموزشی مورد بحث قرار داده و بعد باید به موشکافی دیگری نشست که چرا فرآیند آموزش برای برخی از دانش آموزان مناسب و قابل پسند و برای برخی دیگر نامناسب و ناپسند بوده و دارای هیچگونه قابلیت تطبیق نمی باشد؟ آیا دلیل اش در آن است که هر کدام و هر یک از این دانش آموزان دارای شخصیت روانی جداگانه، فردی، اجتماعی، خانوادگی، ذوقی، سلیقه ای، فرهنگی، برداشتی و پذیرندگی اند، و مطابق آن به فرآیند آموزشی بذل توجه می کنند. هر یک از این دانش آموزان با شخصیت های ویژه ای از آن که در بالا ذکر نمودیم، داخل کلاس آموزشی می شوند و باید توجه داشت که شخص آموزگاری که جهت تدریس داخل کلاس آموزشی می شود دارای کدامین ویژگی ها و مؤلفه های یاد شده بوده و در زیست اجتماعی خود دارای کدام رابطه اکادمیک و تهنیدی است و چنان با داشتن این همه رنگ های ناهمگون آموزشی، تعدد پذیری و کثرت گرایی جنسی، جسمی و روحی، که خود دارای ویژگی آموزشی فردی خودی می باشد، دست و پنجه نرم خواهد کرد؟

پژوهش ها و تکاپوی علمی و اکادمیک روان کاوانه ای که تا کنون در زمینه عرضه شده است، به همه ما و سایر بستگان میدان تعلیم و تعلم می گوید که چه باید کرد؟ بطور مثال یکی از شیوه های پژوهش و تحقیق در یکی از دانشگاه های انگلستان، علاقه گرفتند بدانند که چرا برخی دانش آموزان ساحه آموزشی خیلی ها زیبا زمانی می آموزند که هم قطاران شان در هر یکی و یا تنها یکی از زمینه ها شایسته گی و صلاحیت را از خود تبارز داده و باعث آفرینش اسباب تشویق و ترغیب در ذهن آموزنده دیگری میگردد یعنی اینکه محیط پیرامون رقابت سالم باعث میشود که حتی ساحات معین فکری و ذهنی دانش آموزان کاهل تر را نیز، به تهیج و تحرک در بیاورند، در صورتی که همه گونه های تشویقی و ترغیبی آموزگاران در فرآیند نصاب آموزشی سال وار نتوانست دارای این گونه دست آورد باشد. و هم دیده شده است که در

نتیجه رقابت های سالم و بکار برد شمار زیادی از دقایق مشق و تمرین و استفاده نمادین از شخصیت آموزنده ای که در محیط کلاس خود من حیث نمونه آموزش نمادین برای سایرین عرض اندام کرد و محرک نخست برای آنها که خود در فرآیند زندگی خانوادگی و اجتماعی شان اینگونه محرک نخست و بنیادین را هرگز نداشته اند، تبدیل می شود. اکنون دارد از آن بهره خوبتر و بهتر می گیرند و آموزش نیز بدون فشار با آفرینش تهیج و ترغیب خودی و درونمایه ای، به وجه احسن صورت می گیرد.

بر بنیاد قول بزرگسالان، فرآیند مشق و تمرین انسان ها را به پایه اکمال می رساند، با وصف آن هنوز هم پژو هس های یاد شده به این پرسش بنیادی که چرا برخی ها با وجود مشق و تمرین اندک و بکار برد دقایق و زمان کوتاه، در برابر آنهایی که همواره مشق و تمرین بی حد و حصر می کنند، پیشرفته تر، کامگار تر و سریع آموزتر اند؟ این جاست که پای فرآیند آموزش روانکاوانه در میان انسان ها و افراد ناهمگون به میان می آید.

بعضی آموزگاران با ابراز نظر شان توضیح می دهند که بهترین دانش آموزان، آنهایی هستند که در اجرای به موقع کار ها و، وظایف خانگی شان دست و همت بلند دارند و شاید بسیاری ها نیز با این طرز دید آموزشی تفاهم و توافق داشته باشند اما با آنهم هنوز پرسش بنیادی پاسخ داده نه شده است. سوال در این جا است، چرا برخی از دانش آموزان علاقه وافر دارند کار های خانگی به شمول و وظایف سپرده شده را به هر عنوانی که باشد، مورد اجرا به موقع قرار دهند، و برخی دیگر یا بهانه ها را می آفرینند، یا از خود گاهلی تبارز می دهند و یا هیچگونه اعتبار و اختیاری را به آموزگاری که این همه وظایف را می سپارد، قایل نمی شوند. چرا بعضی اوقات بیشترین رقم دانش آموزان کامگار آنها اند که هرگز وظایف خانگی شان را مورد اجرا قرار نمی دهند. از این سبب باید دریافت که آیا این همان وظیفه خانگی سپرده شده است که باعث موفقیت دانش آموز شده است و یا هم سطح و درجه عالی فکری و ذهنی شخص دانش آموز است که حتی بدون بذل توجه به آن همه کار های سپرده شده به همان مقام بلند و شامخ آموزشی و پرورشی رسیده است. در این جا نباید از نقش بی بدیل آموزگار انکار ورزید و یا آن را دست کم گرفت. هم نباید مضمونی را که تدریس میکنیم به شمول مدرس، دارای چه حلاوت و صلابت هستند؟ بخاطر دریافت این همه پرسش ها، در قدم نخست باید به ویژگی های آموزش روانکاوانه عمومی و خصوصی، فردی و جمعی، مراجعه کنیم و بعد نقش معلم و تعلیم دهنده را که در واقعیت مسلم شخصیت آموزشی روان پزشک در داخل کلاس خود است، مورد ارزیابی قرار دهیم و بعد مجموعه مؤلفه های آموزشی و شخصیت روانی، اجتماعی، فردی و فرآیند تعلیم و تعلم او را که دانش آموزان را من حیث رهبران آینده جامعه سنتی و یا مدرن، به آموزش قرار می دهد مورد بررسی و پژوهندگی ژرف و نقادانه قرار دهیم.

تشویق دانش آموزان چه ارزش دارد ؟

How important is the student's motivation?

یکی از بهترین اندوخته ها ، شیوه ها و فرآیند آموزش به ویژه آموزش زبان که در جنگ دوم جهانی در نتیجه کار برد اندوخته ها در اختیار آموزگاران قرار گرفته است، نشان دهنده آن است که امریکایی ها بعد از ختم جنگ دوم جهانی بخاطر آنکه بتوانند با مخالفین نظامی و سیاسی خود دست و پنجه نرم کنند، در قدم نخست باید زبان و ادبیات شان را به گونه خیلی ها شایسته و نیکو از خود کنند و بعد ها در فرهنگ، تهذیب ، سنت ها و داشته های معنوی شان تداخل کنند و از نقاط قوی و ضعیف شان نیز آگاهی حاصل کرده و در تکاپوی چاره جویی هایی بخاطر غالب شدن بر آنها شوند. آموزگاران به گونه ای مخالفین و رقبای شان را به دانش آموزان معرفی میکردند و در مورد شان سخنان ای را به میان می آوردند که گویا مخالفین سخت در برابر شان قرار گرفته اند و بخاطر از میان برداشتن شان از هیچگونه ظلم و قضاوت دریغ نخواهد ورزید و در ضمن وعده و تعهداتی را نیز برای شان ارایه می کردند که خود از یک طرف باعث تشویق و ترغیب دانش آموزان میگرددید و از سوی دیگر هم ذهنیت و حس به اصطلاح میهن پرستی را در اذهان آنها ارتقا میدادند تا زبان به زود ترین فرصت طی پیشبرد کورس های تشدید کوتاه مدت ، به نحو شایسته و خوب به آموزش گرفته شود. و ابر قدرت ها بخاطر اضمحلال ملت ها، همواره از طریق اضمحلال فرهنگی ، تهذیبی و تاریخی، به شمول زبان و ادبیات شان داخل اقدام عملی شده اند که فرآورد اش را در کشور عزیز خود افغانستان در این چند دهه اخیر، به مشاهده نشسته ایم. و یا هم زمانی که انگلیس ها بر خلاف روس ها، به ویژه شوروی سابق میل داشتند تا برخلاف شان کار کرد هایی داشته باشند، در قدم نخست هوابازان شان را با زبان روسی به گونه کامل آشنا می ساختند تا در فرآیند گفتمان با مخالفین، به ویژه هوابازان شوروی و مردم شان به زبان خود شان به گفتمان نشینند و از این طریق سود، گفتمانی، سیاسی و نظامی را از آن خود کنند.

در این جا باید بدانیم که یکی از دلایل آموزش سریع دانش آموزان نه تنها زبان بلکه هر بخش دیگری نیز که باشد، و هم تشویق، ترغیب، و تهیج آموزگاران در این فرآیند که دانش آموز و آموزگاران من حیث دو مؤلفه معقول فرآیند تعلیم و پرورش، داشتن هراس از ناکامی و شکست در برابر مخالفین، و دوم عالی ترین شکل و گونه های معین تحریک، تهیج، ترغیب، تشویق و بر انگیزی احساس، قومی، ملی، گروهی، تباری ، فرهنگی، سیاسی و نظامی در اذهان هردو دسته، اعم از دانش آموزان و آموزگاران ، بوده است. غرض از توضیح این مطلب در این جا این است که فرآیند تعلیم و آموزش با زور، فشار، توهین، تحقیر، و مجازات جسمی، فزیکتی، شخصیتی، روانی ، زبانی و اخلاقی ، نه تنها اینکه به نحو دقیق صورت گرفته نمیتواند، بلکه باعث ضعیف و نحیف شدن

شخصیت آموزنده و آموزگار میگردد. برای هر گونه آموزش باید منافع، سود، علایق و نیاز آموزنده را، اعم از فردی، خانوادگی، محیطی، قومی، فرهنگی، زبانی، سیاسی، اقتصادی و روانی را در نظر داشت. اگر دانش آموز به سیاق، فرهنگ، شخصیت حقوقی، تاریخ، زبان و ادبیات مضمون مورد نظر و مدرسش دلیلی برای آموزش نداشته باشد، فرآیند تعلیم و تعلم به گونه خیلی ها کند به پیش خواهد رفت و یا هم هیچگونه آموزش مثبت صورت نخواهد گرفت و منتج به ناکامی آموزنده، آموزگار و سیاست آموزشی همان جامعه می شود. یکی از بهترین نقش های آموزگار آفرینش دلچسپی در ذهن آموزنده است. برای آموزنده شخصیت را قایل شدن است. آموزنده را باید مورد تقدیر و تکریم قرار داد. شخصیت فردی، آموزشی، اجتماعی، علمی و اخلاقی آموزگار، اثر خیلی ها قوی بر فرآیند آموزش آموزنده می گذارد. به گونه مثال اگر برای فردی و یا مهمانی غذایی را در اختیارش بگذاریم که دارای طعم، ذائقه، و گونه پذیرشی نباشد، بدون آنکه خورنده دارای کداملین سطح گرسنگی است، به غذا میل نخواهد داشت و هیچ فردی نمی تواند وی را مجبور و مکلف سازد تا از آن استفاده کند. قول معروف است که آموزگاران رهبران یک جامعه هستند و رهبر باید دارای چه ویژگی های ناهمگون به شمول درونی و بیرونی باشد تا بتواند قیادت یک جمعیت کثیر الجوانب را مورد هدایت و رهبری قرار دهد، و هم می گویند که رهبر نغز سیاسی در حقیقت امر باید " پیامبر سیاسی" باشد و دارای صورت و سیرت پیامبرانه باشد، آموزگار باید دارای این همه ویژگی ها باشد تا آموزنده شیفته اش شود.

آموزگاران مسؤلیت تحریک، تهیج و موتیف سازی دانش آموزان نیستند، آنها تنها دانش آموزان شان را باید با تبارز کردار، پندار، افکار و بینش نیک مورد تشویق و ترغیب قرار دهند، و سایر کامگاری ها باید در نهاد فرد آموزنده حضور عینی داشته باشند تا بتوانند من حیث نیروی واقعی و عملی آفرینش خلاقیت ها، اندوخته اندوزی ها و تبارز عقلانی فکر و ذکر در دانش آموز کار کرد اثر گذار داشته باشند.

چه کسی مسؤل آموزش است؟ Who is responsible for Learning?

در دنیای امروز که کامگاری های تکنولوژی به اعتلای خود رسیده است، در دانشگاه ها، نهاد های آموزشی مؤسسات تعلیم و تربیه، کتاب خانه و سایر منابع و وسایل آموزشی به شمول شبکه انترنت، در اختیار آموزگاران و دانش آموزان به منظور آموزش هر چه بهتر، بیشتر و ژرفتر از پیش قرار می گیرد، اما هنوز هم دیده میشود که فرآیند تعلیم و آموزش آنگونه که باید باشد، به اهداف اصلی اش که ساختار شخصیت انسان است، نایل نه شده است. با این همه مسایل و وسایل باز هم اصرا باید ورزید، این خود فرد است که بسوی تعلیم و آموزش میرود و بر بنیاد خواست، نیازمندی و ضرورت خود و جامعه اش، میلان پیدا می کند. هدف از بازتاب این عباره این است که انسان باید همواره بسوی خود آموزی برود و مساعی هموارگی خود را بخاطر خود آموزی، خود آگاهی و خود شناسی به جلو حرکت کند. در شرایطی که جامعه بشری فعلن قرار دارد،

دیگر آن شیوه های آموزشی تکراری، سنتی، تعبدی و خلاف بینش عقلانی، هیچگونه کار بردی نخواهد داشت، زیرا امروز انسان ها، محتوا و سیاق هر مؤلفه را زمانی پذیرا می شوند که دارای بینش و پذیرش عقلانی باشد، زیرا عقل نخستین آفرینش است که خداوند برای انسان مسیر ساخته و بعد تقدیر و سرنوشتش را با داشتن ظرفیت خردورزانه اش، به ساختار می نشیند. امروز دیگر داستان های دنباله دار و فاقد معنی، اسطوره ها، افسانه ها، قصایص، و سایر وارونه سازی ها، مورد پذیرش و پسند انسان های مدرن نیستند. اما نباید در تعریف، تعبیر، تفسیر، شناخت، فهم و گزینش مدرنیته، به اشتباه رویم، و از جهالت، اغماز، و بیداد گری " مدرنیسم"، امروز که چندان تفاوتی با جهالت دوره های اولیه ندارد، آگاه نباشیم. اگر مدرنیته انسان را من حیث اشرف آفرینش و سازنده در محتوا و سیاق اش نداشته باشد، و سرمایه و دارایی و پول همه چیز را تعیین می کند، در آن صورت انسان دارد به بندگی آن چیزی سر سجود به سر آورد خود آفریننده او ست. در این جا سعی بر آن نداریم که اقتصاد، پول، سرمایه و منابع دست داشته را به هیچکاره و بیکاره گیریم، بلکه میل داریم اظهار کنیم که ارزش این همه مؤلفه ها زمانی دارای اهمیت خواهد بود که در خدمت انسان و مخلوق خداوند باشند، در غیر آن فاقد معنی و مفهوم خواهند بود. آنگونه شاعر در این سروده مطلب را خیلی ها نغز، بیان نموده است:

حال دنیا را پرسیدم من از فرزانه ی
گفت یا آب است یا خاک است یا پروانه ی
گفتمش احوال عمرم را بگو این عمر چیست؟
گفت یا برق است یا باد است یا افسانه ی
گفتمش این ها که می بینی چرا دل بسته اند؟
گفت یا خوابند یا مستند و یا دیوانه ی
گفتمش احوال عمرم را پس از مردن بگو
گفت یا باغ است، یا نا راست و یا ویرانه ی

این همه وسیله ها باید آموزنده را بسوی خود آموزی، بینش و تفکر خودی، آموزش نقادانه و بعضی ناپذیری برخی از مسایل که با ذهن مبتکر و نو آورش در تناسب، هماهنگی و همخوانی نباشد، مردود اش بشمارد و اعتراض عقلانی اش را در برابر آن بازتاب دهد. شاید این حرف ها و سخنان با ویژگی ها و ساختار های فکری، فرهنگی، سنتی و عقیدتی برخی ها در هماهنگی دقیق و قابل تطبیق قرار نگیرند، اما بدون این ها نیز آموزش های انسانی و در کلیت کافه بشریت، بسوی رستگاری تعلیم و تدریسی که هدفش معرفی انسان من حیث مؤلفه دارای ظرفیت و صلاحیت عقلانی و تفکیک ساز است، رهنمون نخواهد شد. فرآیند آموزشی بسا از جوامع، به ویژه کشور های دنیای سوم نشان می دهد که خانواده ها، خاصتن پدر و مادر فرزندان را مطابق ذهن و خواست خود که سنتی حرکت کرده اند بسوی تعلیم و آموزش مورد تشویق و ترغیب قرار می دهد که شاید بعضی خوب باشد اما در زمینه باید به شخصیت، صلاحیت و استعداد فکری آموزنده نیز باید بذل توجه کرد. اما بهترین شیوه ها این است تا آموزنده ره در راستای آموزش رسمی و غیر رسمی که

به زبان انگلیسی آموزش رسمی و غیر رسمی، یا آموزش داخل مدرسه و بیرون مدرسه *Formal and informal Education*، گفته می شود که باید به آموزنده ها یاری رساند تا خویشتن را در این دو شیرازه آماده سازند.

ویژگی هایی را که باید کلاس های آموزشی خوب، سهیم سازند؟

What characteristics do good classroom learners share?

دانش آموزان داخل کلاس ها در فرآیند آموزش، بخاطر داشتن توانایی های فردی و شخصی، هرکدام از جریان تدریس در داخل کلاس سود های ناهمگون و متفاوت از همدیگر را می برند، بعضی ها دارای سهم بیشتر و برخی ها دارای سهم کمتر در زمینه اند. و آنهایی که نسبت به دوستان و هم کلاس های خود پذیرش بیشتر دارند، سبب اش این است که آنها توجه بیشتر دارند و یا بهتر گفته شود شنونده خوبتر و بهتر هستند. آموزگاران نیز از این موضوع خیلی خوب آگاه هستند، و باید آگاه باشند. زیرا در چنین شرایط آموزگار حیثیت پزشک آموزشی را دارد تا بیماری را تشخیص و بعد و در پی معالجه آن بر آید. آموزگاران بسا اوقات می گویند که دانش آموزان کامگار و موفق در داخل کلاس ها باید دارای خصوصیات و ویژگی های آتی باشند:

- اراده گوش گرفتن را داشته باشند
- اراده تجربه کردن را داشته باشند
- اراده پرسش را داشته باشند
- اراده و شهامت رد نظریه را داشته باشند
- اراده اندیشیدن پیرامون نحوه آموزش را داشته باشند
- شهامت پذیرش اصلاحات را داشته باشند
- شهامت اصلاح و نقد خودی را داشته باشند

و این همه آن مسایلی هستند که دانش آموزان را برای اخذ و اقتباس بیشتر و بهتر مسایل یاری می رسانند و از سوی دیگر هم آنها به اندیشیدن، و بیان افکار انتقادی و اصلاح کننده، تشویق و ترغیب می شوند. مادامی که در مورد دانش آموزان این سخنان را بازتاب می دهیم باید دانست که این ها برای آموزگاران نیز حتمی و حتی ضروری تر اند. اما باید روی یک موضوع دیگر هم اندیشید که بعض خانواده ها و دانش آموزان به این اندیشه هستند، گویا این همه مسایل آموزش تنها و تنها در داخل مدرسه و توسط آموزگار باید صورت گیرد در صورتی که باید بدانیم که آموزگاران تنها آفریننده سهولت و رهنمایی هستند و نه مجبور کننده مکلف ساز تعلیم و تدریس برای دانش آموزان. در زمینه نباید از نقش خیلی ها با ارزش و سازنده خانواده ها، چشم پوشید. اندوخته های فردی و اجتماعی تا کنون نشان داده است، آنهایی که قبل از دبیرستان گرفتار آموزش خانگی، محیطی، سنتی و مساجد و مدارس و تکایا هستند، نسبت با سایر شاگردانی که از

جنین نعمات برخوردار نیستند و یا نبودند، آگاه تر، شایسته تر، و اندیشمند تر هستند. به ویژه اگر اینگونه آموزش مثبت در سنین پائین تر که فرآیند تکوین شخصیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، روانی و آموزشی به شمار میرود، صورت گیرد به مراتب دارای دست آورد و محصول بی مانند تر خواهد بود.

فرآیند آموزشی سالمندان چه ویژگی ها دارد ؟

What special about teaching adults?

یکی از بنیادی ترین تفاوت ها که میان دانش آموزان سالمند و جوان وجود دارد، این است که جوانا به داخل محیط کلاس آموزشی شان تا حدودی بدون اندوخته های قبلی داخل کلاس می شوند، اما دانش آموزان سال مند با جهانی از اندوخته ها، تجارب آموزشی، علایق دقیق آموزشی، نیت و اراده آموزشی داخل کلاس می شوند. آموزنده های سالمند، در جریان دور بودن از کلاس های آموزشی برای مدت های بیشتر و داشتن اندوخته های سالم کاری و آموزشی در راستای زمان یاد شده، با یک دید انداز دیگر آموزشی و بینش تحلیلی و تجربه های کمایی شده داخل فرآیند آموزشی می شوند و بدون تردید هر کدام شان دارای کامگاری ها و ناکامی های معین خود در زمینه های یاد شده هستند. بعضن سالمندان در فرآیند آموزش شان بیشتر از جوانان و نوجوانان پر احساس تر و حرکت ذهنیت بر انگیز تر دارند. زیرا آنها با محیط پیرامون آموزشی خود بر خورد هدفمند و بیشتر عقلانی دارند. اندوخته های آموزشی در زمینه های ناهمگون نشان می دهد که حضور علمی دانش آموزان سالمند در محیط کلاس های آموزشی دارای جهت های سودمند و ضرر مند است، سود مند بخاطر آنکه سالمند در واقعیت امر یاری رسان و آفریننده سهولت ها برای آموزگار هستند و از جانبی هم اگر آموزگار صلاحیت و ظرفیت تدریس درست میان دانش آموزان و کلاس آموزندگان سالمند نداشته باشد آنها میتوانند ایجاد کننده های مزاحمت و درد سر برای آموزگار ها باشند زیرا به گونه و نحوی که آنها میل دارند مورد آموزش قرار گیرد، آموزگار از بینش آموزشی آنها آگاهی نداشته و در فرجام راه و مسیر آموزشی خود را از دست داده و در تحلیل نهایی فرآیند تدریس و تعلیم به بیراهه و ناکامگاری منتج می شود.

آموزگاران سالمند با دنیایی از اندوخته ها داخل کلاس می شوند و در واقعیت امر رهنما و راه کشای تدریس آموزگار هستند، که جوانان و نوجوانان از این نعمت تا حدی برخوردار نیستند. در کلاس های جوانان، به ویژه در دنیای غرب و امریکای شمالی فرآیند آموزش در حقیقت گونه ی بازی های سرگرم کننده را دارد، که آموزنده های سالمند شایق این گونه سرگرمی ها نیستند و خود را مقید به این شیوه تعلیم و تعلم نمی دانند بلکه مایل هستند تا بهتر، خوبتر و ژرفتر شاهد فرآیند آموزشی جدی و پخته تر باشند، زیرا این گونه سرگرمی ها دیگر به ماهیت فکری شان در توافق و

تفاهم قرار گرفته نمی توانند و به قول معروف از پخته نباید خامی را طلبید و از خام نباید پختگی را در خواست کرد. یکی از نارسایی هایی که پالیسی های آموزشی در برخی از کشور ها در فرآیند آموزشی دارند این است که هر آن فردی که داخل کلاس درسی شد دیگر دانش آموز است بدون اینکه دارای چه اندوخته ای است و از کدامین سطح سنی و فکری برخوردار است باید با سایر دانش آموزان در شیوه های برخوردی همسان باشند و شاید هم تا حدی از دیدانداز عمومی آموزشی درست باشد اما از دیدانداز روانکاو و روانپزشکی شاید خلاف محتوا و سیاق واقعی آموزشی باشد، زیرا نمیتوان فرآیند آموزشی سالمندان پر اندوخته را فدای فرآیند آموزشی جوانان و نوجوانان کرد، و نباید در برابر جوانان نیز جفا کرد تا آنها را با افرادی در کلاس قرار دهیم که اسباب نگرانی آموزشی آنها را فراهم سازند و هماهنگی آموزشی صورت گرفته نتواند. از این سبب بهتر است در چنین کلاس ها باید از پالیسی آموزشی موازنه آفرین و بیلانس ساز استفاده کرد. زیرا اگر در داخل کلاس با یک طفل برخورد سالمند و در برابر یک آموزنده سالمند برخورد طفلانه صورت گیرد، هردو را به باد فحاشی آموزشی خواهیم سپرد.

طرح تیوری آموزش سالمندان در سده بیست و یکم : انسان های دوره های ناهمگون تاریخی از هر دیدانداز زندگی آموزشی در شرایط مختلف قرار داشته اند. مادامی که نصاب آموزشی برای سال مندان مطرح می شود، همواره مسایل آموزش عملی، معنوی، اخلاقی و نوآفرین مابانه، در ذهنیت پالیسی سازان نصاب آموزشی تداعی می شود. مزید برآن اگر این دسته ای از انسان ها که بخاطر تعیین سرنوشت آموزشی سالمندان کار می کنند، باید همواره از پسمنظر اجتماعی، روانی، سیاسی، فرهنگی و و تهذیبی آموزنده ها به حد کافی آگاه باشند. باید بدانند که فرآیند کاری شان از چه قرار است، و در کجا ها مشغولیت کاری دارند، با کدامین نهاد های کاری و مالی در ارتباط کاری هستند و در کدام نظام اجتماعی در فرآیند آفرینش نعمات مادی و معنوی قرار دارند. زیرا جریان پژوهش علمی در راستای تدوین نصاب آموزشی برای سالمندان، باید مسایل آتی را در نظر داشته باشد:

- فرآیند آموزش سال مندان تیوری باید متحرک، دینامیک و شخصیت ساز باشد .
- تیوری آموزش سال مندان مؤلفه غامض بوده و دارای تعریف و تفسیر ساده نیست.
- تیوری آموزشی برای سال مندان باید مطابق خواست، نیاز ، ظرفیت و اندوخته های گذشته آنها باشد.
- سیاق و محتوای زندگی گذشته، حال و آینده آموزنده سال مند را باید از قبل از قبل دانست .
- از داشته های فرهنگی، زبانی، عقیدتی، اجتماعی و خانوادگی آموزنده سال مند باید آگاهی دقیق داشت.
- استقلالیت فرآیند آموزشی و محیط پیرامون آموزشی آموزنده سال مند را باید در نظر گرفت.

- سیاق اجتماعی - تاریخی و عقیدتی آموزنده را باید مورد احترام و اکرام قرار داد.
- آموزنده را باید با تیوری: شناخت، تیوری فیمینیسم، (بینش گرایش به دفاع از حقوق و امتیاز جنس زنانه)، تیوری اجتماعی انتقادی، تیوری مدرنیسم، و تیوری پسا مدرنیسم، آشنا ساخت و از دیداندازش تاریخی اش بهره بهتر باید جست.

جهانی شدن و ضرورت دگرگونی و تحول در آموزش و پرورش : آموزش و پرورش یک جریان منظم و مستمر است که همه جوامع بدون در نظر داشت حالات و اوضاع شان به آن نیاز دارند. هدف آن یاری رسانی به رشد شخصیت، نیروی جسمانی، فکری و هنجار های روانی، اجتماعی، اخلاقی و یا بطور کلی رشد شخصیت پویانده گان و پرورش یابنده گان است. در گذشته آموزش و پرورش تنها از طریق آموزگار، کتاب، و کتابخانه صورت می گرفت و دیگر منابعی تا حدی در دست نبود. اما امروز شرایط آموزشی به گونه ای به میدان آمده است که دیگر روابط آموزگار و دانش آموز، کتاب و مکتب، خانواده و محیط آموزشی، کلاس و محیط بیرون از آن، همه را دگر گون ساخته است. به ویژه آموزش از طریق شبکه های ارتباطی، اینترنت، صدا و سیما، موبایل، برگه چهره ها (فیس بوک)، ماهواره ها، سایت ها، ویبلاگ ها، پیام گیر ها، پیام رسان ها، تیوتر ها و انستیکرام ها و غیره خیلی ها ساده و آموزنده شده است. به امید پیشرفت، ترقی و تعالی در راستای آموزش مثبت و انسان ساز.

غرض آموزش تنها آموختن نیست ، بلکه اهمیت اش در آن است تا بر بنیاد نا متزلزل آن نظام هستی انسانی و کائنات را به شناخت ژرف عقلانی گرفت"

" مادامی که تنها هستیم در تکاپوی دوست ، یار و همدم روزگار هستیم، و زمانی که درش یافتیم دنبال نارسایی ها، کاستی ها و عیبوبش می گردیم، و هنگامی که از دستش دادیم، در تنهایی دنبال خاطراتش می گردیم. همواره باید مراقب دل ها باشیم، زیرا هیچ چیزی سهل تر از دل نمی شکند." (سارتر)